

این بار لاک پشت پرنده، زنده ماند

O انسیه موسویان



عنوان کتاب: پرواز سخت لاک پشت
شاعر: ناصر کشاورز
تصویرگر: حمیدرضا بیدقی
ناشر: افق
نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۳
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۱۶ صفحه
بها: ۵۰۰ تومان



عنوان کتاب: خرگوش و جنگ شیرها
شاعر: ناصر کشاورز
تصویرگر: حمیدرضا بیدقی
ناشر: افق
نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۳
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۱۶ صفحه
بها: ۵۰۰ تومان



عنوان کتاب: طوقی، کبوترها و دام
شاعر: ناصر کشاورز
تصویرگر: حمیدرضا بیدقی
ناشر: افق
نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۳
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۱۶ صفحه
بها: ۵۰۰ تومان

کوتاه است و هم مناسب با لحن روایی داستان. در هر سه جلد، کار ارزشمند شاعر این است که پیام و نتیجه اخلاقی داستان را به شکل غیرمستقیم، در خلال ماجراها و حوادث داستان گنجانده است؛ خلاف متن اصلی داستان‌ها که در پایان، نتیجه و پیام به شکل کاملاً مستقیم بیان می‌شود.

(۱)

جلد اول با عنوان «خرگوش و جنگ شیرها»، ماجرای همان شیرظالم و متکبری است که حیوانات جنگل را شکار می‌کند و هیچ جانوری از دست او در امان نیست. حیوانات پس از شور و مشورت، به این نتیجه می‌رسند که هر روز یک نفر از آن‌ها با پای خود به نزد شیر برود و سرانجام، خرگوش زیرک و باهوش با نقشه هنرمندانه خود، موفق می‌شود شیر ظالم را شکست دهد.

کرده است. در این مجال، قصد معرفی و مروری کوتاه بر مجموعه سه جلدی «قصه‌های جنگل» را داریم که داستان‌هایی است برگرفته از کتاب کلیله و دمنه. قصه‌های این مجموعه را همه ما در کتاب‌های درسی خوانده‌ایم، اما این بار هر کدام از این قصه‌ها را با شکل و شمابلی تازه و متفاوت می‌بینیم. شاعر در این جا، فقط به بازنویسی صرف این سه داستان و ریختن آن در قالب نظم اکتفا نکرده است. او در حقیقت، به نوعی بازآفرینی پرداخته و در سیر حوادث، شخصیت‌ها و پایان‌بندی داستان‌ها، دست به نوآوری زده است.

زبان داستان‌ها ساده و روان است. گویی شاعر یا همان راوی داستان منظوم، در مقابل مخاطب نشسته و با او حرف می‌زند. این زبان ساده و روان، به انتخاب به جا و مناسب وزن شعر توسط شاعر برمی‌گردد. شاعر وزن «مستغفلن، مستغفلن» را انتخاب کرده که هم

گنجینه ارزشمند ادبیات کهن فارسی، سرشار از داستان‌ها، حکایت‌ها و منظومه‌های شیرین و آموزنده است که از گذشتگان به ما رسیده. با آن که کودکان و نوجوانان امروزی با تعدادی از این متون ارزشمند، از طریق کتاب‌های درسی آشنا می‌شوند، کم‌تر به سراغ داستان‌های کهن می‌روند. شاید یکی از دلایل این کم رغبتی، حاکمیت بی‌چون و چرای رسانه‌های دیداری چون تلویزیون و ماهواره باشد. زبان ناآشنای این متون برای کودکان و نوجوانان نیز یکی دیگر از دلایل این کم توجهی است.

در این مقاله، ما به بررسی و مرور سه قصه منظوم می‌پردازیم. قصه منظوم، برخی از عناصر چون خیال و موسیقی را از شعر و برخی از عناصر چون حادثه و روایت را از داستان گرفته است.

ناصر کشاورز، از جمله شاعرانی است که تاکنون ده‌ها کتاب به شکل منظومه، برای کودکان روانه بازار

شاعر ماجرا را با توصیف طبیعت زیبای جنگل آغاز می‌کند:
 در آن زمان‌های قدیم
 یک جنگل انبوه بود
 از یک طرف صحرا و رود
 از یک طرف هم کوه بود
 و در این توصیفه از برخی صورت‌های خیال سود می‌جوید. بیشترین استفاده را شاعر از «تشبیه» کرده است؛ چرا که تشبیه یکی از ساده‌ترین صور خیال است و برای توصیف زمان و مکان و فضا سازی داستان، ابزار مناسبی است:

در زیر پای هر درخت
 یک فرش گلدار از علف
 عطر گل و بوی نسیم
 پیچیده بود از هر طرف
 *

آن چاه آبی صاف صاف
 مانند یک آینه داشت
 اما عمیق و گود بود
 این راز را در سینه داشت
 دو تشبیه فوق، به دلیل سادگی و ملموس بودنش برای مخاطب قابل درک است، اما گاه شاعر از تشبیه نوع محسوس به معقول استفاده می‌کند که درک آن شاید برای گروه سنی «ب»، اندکی دشوار باشد:

آن جنگل زیبا که بود
 مانند باغی در بهشت
 کم‌کم به دست شیر شد
 مثل جهنم زشت زشت

درک شباهت جنگل با بهشت و به تدریج، جنگل با جهنم در این ابیات، برای مخاطب دشوار است. از بخش‌های جذاب و پرکشش این قصه، رفتن حیوانات با ترس و وحشت به نزد سلطان جنگل است. هر روز ظهر باید یک حیوان با پای خود به قربانگاه برود. شاعر از این بخش ماجرا به سرعت می‌گذرد تا به نقطه اوج داستان، یعنی نقشه خرگوش برسد: رفتند حیوانات و بعد



مشغول کار خود شدند
 با این همه ناراضی از
 قول و قرار خود شدند
 *

یک هفته با سختی گذشت
 تا نوبت خرگوش شد
 طفلک چنان ترسید که
 یک ساعتی بی‌هوش شد...
 شیر، ضد قهرمان داستان است و شاعر تلاش کرده تا شخصیت او را به خوبی به مخاطب معرفی کند. گاه به شیوه مستقیم، او را توصیف می‌کند:

یک شیر وحشی بود که
 دندان و چنگ تیز داشت
 درنده و بی رحم بود
 شکلی هراس‌انگیز داشت

گاه از زبان خود شیر به معرفی او می‌پردازد. لحن شاهانه شیر در این بخش، به خوبی نشانگر تکبر، غرور و بی‌رحمی اوست:

گفت: این غذا مال من است
 من پادشاه جنگلم
 هم شیرم و خیلی شجاع
 هم خوشگل و خوش هیكلم
 *

یک دفعه شیر از جا پرید
 غرید و گفت: الان کجاست؟
 یک شاه در جنگل بس است
 یا جای او یا جای ماست!
 اما شخصیت خرگوش، به عنوان قهرمان اصلی داستان، پرداخت کافی نشده است. البته با توجه به پیش زمینه ذهنی مخاطب نسبت به خرگوش که در تمام داستان‌ها، نماد زیرکی، زرنگی و تیزهوشی است و همیشه با نقشه‌های زیرکانه و تدبیر و زرنگی، پیروز می‌شود، مخاطب نسبت به این قهرمان شناخت قبلی دارد. با وجود این، جا داشت که در این اثر نیز تأمل بیشتر روی جنبه‌های مختلف شخصیت خرگوش می‌شد؛ چرا که او قهرمان اصلی ماجراست، نقش

قصه‌های این مجموعه راهمه ما
در کتاب‌های درسی خوانده‌ایم، اما این بار
هر کدام از این قصه‌ها را با شکل و شمایی
تازه و متفاوت می‌بینیم. شاعر در این جا،
فقط به باز نویسی صرف این سه داستان
و ریختن آن در قالب نظم اکتفا
نکرده است. او در حقیقت، به نوعی
باز آفرینی پرداخته و در سیر حوادث،
شخصیت‌ها و پایان بندی داستان‌ها،
دست به نوآوری زده است

اصلی را او ایفا می‌کند و محور تمام حوادث است. این داستان، مانند متن اصلی با خیر و خوشی به پایان می‌رسد و دریافت پیام‌های اخلاقی داستان، از جمله ایستادگی در برابر زورمندان و ستمگران، ضرورت به کارگیری عقل و تدبیر در حل مشکلات و... به عهده مخاطب گذاشته می‌شود:

دیگر همه راحت شدند
 از ظلم‌های شیر زشت
 آن جنگل سرسبز شد
 مانند باغی در بهشت

(۲)

قصه لاک‌پشت و دو مرغابی را از کودکی خوب به خاطر می‌آورم. در کتاب فارسی دوم دبستان بود که آن را خواندیم. همیشه دلم به حال لاک‌پشت بینوای قصه می‌سوخت که چه سرنوشت غم‌انگیزی می‌یافت. اگرچه او به سبب سفاقت، بی‌احتیاطی و پرگویی خود دچار این سرنوشت می‌شد و شاید پایان داستان، پایانی منطقی و عاقلانه بود، در ذهن کودکان من همواره غمی نهفته بود. غصه‌ای که در وری بار اخلاقی و پیام داستان، همیشه ذهنم را می‌آزرد.

ناصر کشاورز این بار قصه لاک‌پشت و مرغابی‌ها را با شکلی متفاوت به نظم کشیده است او پایان ماجرا را به گونه‌ای طنزآمیز و شیرین تغییر داده است؛ پایانی که دیگر ذهن هیچ کودکی را نخواهد آزرده. در این اثر نیز زبان، ساده و روان است و تکلف در بیان شاعر دیده نمی‌شود. او از همان ابیات نخست، در توصیف مکان داستان، از هنر تشخیص سود می‌جوید.

آن جا که برکه کم آب را وصف می‌کند:

این برکه با باران فقط
 جان می‌گرفت و آب داشت
 چشم انتظار ابر بود

دایم دلی بی‌تاب داشت
 و یا در جای دیگر، باز در توصیف همان برکه می‌خوانیم:

یک سال در فصل بهار
 آن برکه شد کم آب‌تر
 در انتظار ابرها

شد قلب او بی‌تاب‌تر
 در بند چهارم داستان، یک مصراع کاملاً حشو است و از قوت کار کاسته:

می‌کرد آن جا زندگی
 یک لاک‌پشت خوش زبان
 اما فقط پرحرف بود

در گفت و گو با دیگران
 مصراع «در گفت و گو با دیگران» کاملاً زائد است. شاعر در معرفی و پرداخت شخصیت لاک‌پشت، موفق بوده است؛ به گونه‌ای که مخاطب از خلال ابیات شعر، لاک‌پشت را که موجودی پرحرف نادان و بی‌احتیاط است، به خوبی می‌شناسد:

گاهی اگر یک رهگذر
از او سوآلی ساده داشت
توی زبان و لاک خود
صد تا جواب آماده داشت
*

تنها که می‌شد با خودش
هی حرف می‌زد زیر لب
تا این که او شد کم کمک
حاضر جواب و بی‌ادب

ابتکاری که شاعر در این داستان به خرج داده، این است که با وارد کردن یک شخصیت جدید به مجموعه شخصیت‌های داستان، پایان آن را به گونه‌ای طنزآمیز و شیرین تغییر می‌دهد و آن خرسی است که با تن پرموی خود، زیر درخت خوابیده و لاک‌پشت در سقوط مرگبار روی پشت خرس می‌افتد و از هلاکت رهایی می‌یابد:

از جا پرید آن خرس و دید
نه اتفاقی، ساده است
یک لاک‌پشت کوچک از
روی درخت افتاده است!
*

آن خرس رفت و لاک‌پشت
از لاک خود بیرون خزید
هم گریه و هم خنده کرد
وقتی که خود را زنده دید
حُسن این پایان‌بندی آن است که پیام داستان را نیز به شکل غیرمستقیم، در واکنش لاک‌پشت می‌بینیم؛ آن‌جا که مرغابی‌ها نزد لاک‌پشت می‌آیند و جوابی حال او می‌شوند:

چیزی نگفت آن لاک‌پشت
از کار خود شرم‌منده بود
حرفی نزد، رازی بزرگ
در گریه‌ها و خنده بود
*

شد لاک‌پشت از آن به بعد
بسیار کم حرف و نجیب
توی کتاب قصه ماند
این ماجراهای عجیب

(۳)

داستان «طوقی، کبوترها و دام» نیز طرح ساده‌ای دارد. گروهی از کبوتران به رهبری کبوتری به نام طوقی، در دام گرفتار می‌شوند با مشورت و اتحاد، دام را از زمین بلند می‌کنند و سرانجام، موشی که دوست طوقی است دام را از پای آن‌ها می‌گشاید.

در متن اصلی داستان، چند شخصیت دیگر نیز حضور دارند که در این منظومه، شاعر آن‌ها را حذف کرده است. این شخصیت‌ها زاغ (کلاغ)، آهو و لاک‌پشت هستند.

شاید به دلیل تعدد شخصیت‌ها و این که شاعر



ناصر کشاورز این بار

قصه لاک‌پشت و مرغابی‌ها را

با شکلی متفاوت به نظم کشیده است

او پایان ماجرا را به گونه‌ای طنزآمیز

و شیرین تغییر داده است؛

پایانی که دیگر ذهن هیچ کودکی را

نخواهد آزد

احساس کرده آن‌ها نقش کلیدی و مؤثری در اصل ماجرا ندارند و نیز برای ساده‌تر کردن داستان، آن‌ها را حذف کرده است.

او فقط شخصیت کلاغ را باقی گذاشته است. کلاغ در این منظومه، از بالای درخت شاهد تمام ماجراست و خلاف برخی از حکایات و داستان‌ها که کلاغ در آن‌ها نماد فضولی و خیرچینی است، در این‌جا یک شخصیت مثبت به حساب می‌آید. به نظر می‌رسد او همان کلاغ آشنای قصه‌هاست که در پایان تمام قصه‌ها، به خانه‌اش نمی‌رسد:

آری کلاغ قصه هم

مانند آن‌ها شاد بود

مثل تمام صیدها

دلگیر از صیاد بود

عناصر شعری در داستان طوقی، کم‌رنگ هستند و در سراسر کتاب، شاید فقط به یک مورد تشبیه برمی‌خوریم:

آن موش با دقت برید

از پای هر یک بند را

بر روی نوک‌هاشان نشانند

گل‌هایی از لبخند را

نکته دیگر این که در برخی از ابیات این جلد، به کلماتی برمی‌خوریم که شاید در دایره واژگانی مخاطب این کتاب ننگند و شاید شاعر ناگزیر از کاربرد آن‌ها بوده است؛ مانند کلمات «توبره»، «محال» در ابیات ذیل:

صیاد مقداری طناب

بیرون کشید از توبره

با دقت آن‌ها را به هم
با دست خود می‌زد گره...
*

تا دید طوقی را شناخت

غمگین شد از آن وضع و حال

با دیدن آن بند و دام

گفت این محال است این محال!

بهتر بود در پاورقی و در پایان کتاب، معنای کلمات دشوار برای مخاطب نوشته می‌شد. در چند مورد نیز روال طبیعی جمله به هم خورده و زبان را از صمیمیت و روانی دور کرده است:

صیاد زیر سایه بود

در انتظار یک شکار

چندین کبوتر آمدند

پایان رسید آن انتظار

در مصراع آخر، حذف «به» به ضرورت وزن، روال

طبیعی جمله را به هم زده است.

در حالی که شاعر به آسانی می‌توانست بگوید:

چندین کبوتر آمدند

آمد به سر آن انتظار

در این داستان، طوقی رهبری خردمند است

و کبوتران پیروانی باوفا. موش نیز دوستی مخلص

است. طوقی رهبری ایثارگر و فداکار است؛ به گونه‌ای

که راضی نمی‌شود موش ابتدا بندهای او را ببرد:

لطفاً بیا از پای ما

این بندها را باز کن

فعالاً به فکر من نباش

از دیگران آغاز کن

این درس‌ها در کنار پیام‌های اخلاقی داستان، از

جمله دوستی و اتحاد، کمک و یاری به دوستان و... به

شکل غیر مستقیم در خلال داستان بیان می‌شود.

مجموعه سه جلدی قصه‌های جنگل، علاوه بر

انتخاب خوب و مناسب داستان از کتاب کلیله و دمنه و

قوت شعری و ابتکار و خلاقیت شاعر در سیر حوادث و

پایان‌بندی داستان‌ها، دارای تصاویری بسیار زیبا و

جذاب نیز هست. در تصاویر این کتاب‌ها، از تکنیک

کلاژ برجسته و دارای حجم، به همراه عکس استفاده

شده است. به همین دلیل، تصاویر بسیار طبیعی و زنده

به نظر می‌رسند. این تصاویر، لوح تقدیر ویژه از

پنجمین نمایشگاه آثار تصویرگران کتاب کودک را در

سال ۱۳۸۱ به خود اختصاص دادند.

بدون شک کیفیت بالای چاپ نیز در کنار سایر

عواملی که برشمردیم، از جمله دلایل جنابیت این

مجموعه به شمار می‌رود.

منابع و مآخذ

۱- بررسی حکایت‌های حیوانات (فابل‌ها) تا قرن دهم،

دکتر محمد تقوی، چاپ اول بهار ۱۳۷۶، انتشارات روزنه

۲- جایگاه منظومه‌های نو در ادبیات کودکان، نوشته

جمال الدین اکرمی، پژوهشنامه ادبیات کودکان و نوجوانان،

شماره ۲۹